

نظارتی در قبال ایران به ویژه در سال دوم فعالیت کنگره یک‌صدوشانزدهم داشته است. در این نوشتار تلاش شده است اقدامات تقنینی و نظارتی کنگره یک‌صدوشانزدهم در قبال ایران بررسی شود و تأثیر این اقدامات بر سیاست خارجی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران تبیین گردد.

۱. چهارچوب نظری

اختیارات پیش‌بینی شده در قانون اساسی و ابزارهای مؤثر بر روند امور مانند جلسات استماع جهت رسیدگی به مسائل خاص و پراهمیت، کنگره را از جهت اختیارات و اثرگذاری بر سیاست خارجی در عرض رئیس‌جمهور قرار داده است (نعیمی ارفع، ۱۳۸۲: ۱۶). بر همین اساس کنگره یکی از مهم‌ترین نهادهای رسمی تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا است که کمیته‌های روابط و امور خارجی و خدمات نظامی، نقش ویژه‌ای را در فرایند تصمیم‌سازی در سیاست خارجی ایفا می‌کنند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۰). به بیان دقیق‌تر اشتغال کنگره آمریکا به تصمیم‌گیری درباره مسائل راهبردی، هدایت و رهبری، تعهد و تخصیص منابع، جزء مهم و حیاتی دموکراسی و جمهوری است. بدون حمایت کنگره، قوه مجریه نمی‌تواند سیاست‌های طولانی مدت را اجرایی کند (بی زولیک، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

با توجه به وسعت عرصه سیاست خارجی و ساختار دو حزبی در ایالات متحده، نقش کنگره در سیاست خارجی آمریکا در تقابل و همکاری با دولت قرار دارد و در برخی از موارد توانایی کنگره در هدایت سیاست خارجی به نحوی است که توانایی به چالش کشیدن رئیس‌جمهور و حتی وضع تحریم‌های جدید مخالف با دیدگاه‌های رئیس‌جمهور را دارد (مرادی و دهشیار، ۱۳۹۶: ۱۰۶). رابطه میان کنگره و دولت و تأثیرگذاری کنگره بر سیاست خارجی کشور همواره ثابت و یکنواخت نبوده است؛ به نحوی که در زمینه‌های ضرورت تصمیم‌گیری فوری به‌ویژه در شرایط بحرانی، رئیس‌جمهور در سیاست خارجی نقش پررنگ‌تری از کنگره دارد (حوزه سیاست بحران)، ولی در زمینه‌های تخصیص منابع و تأمین بودجه، کنگره دست بالا را دارد (سیاست ساختاری). در قلمرو تعیین اهداف و تاکتیک‌ها تمایز بین دو قوه کمتر است، با وجود این نقش قوه مجریه در این حوزه